

Mahbobeh Izadi<sup>1</sup>, Ali  
Mohammad Rezaee<sup>2</sup>, Alireza  
Zahiredin<sup>3</sup>, Yazdan  
Mohsenzadeh<sup>4\*</sup>

<sup>1</sup> Master of General  
Psychology, Behavioral  
Sciences Research Center,  
Shahid Beheshti University  
of Medical Sciences, Tehran,  
Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor,  
Department of Clinical  
Psychology, Semnan  
University, Semnan, Iran

<sup>3</sup> Psychiatric Specialist, Head of  
Behavioral Sciences Research  
Center, Shahid Beheshti  
University of Medical  
Sciences, Tehran, Iran

<sup>4</sup> MSc in Nursing Education,  
Faculty of Paramedicine,  
Alborz University of Medical  
Sciences, Karaj, Iran

## The Relationship Between Early Maladaptive Schemas, Attachment and Marital Satisfaction with Applicants for Separation

Received: 1 Dec. 2017; Accepted: 9 Jan. 2018

### Abstract

This study is aimed at inspecting the relationship between early maladaptive schemas and attachment and marital satisfaction with applicants for separation. This research depicts correlation and statistical of all referring applicants to mahalati family court of Tehran city. 415 applicants were selected among all applicants through available sampling method. The instrument used was the short form of the Young Schema Questionnaire, the Adult Attachment Scale Collins and Reid and marital satisfaction scale that were completed by participants. For data analysis, stepwise regression was used. The results show that there is a negative relationship between the components of attachment anxiety and intimacy and marital satisfaction, these two variables together explained 12% of variance in marital satisfaction. Also no significant relationship between attachment and marital satisfaction was found. In addition, there are negative relationships between the validity of maladaptive schemas and components, subjugation, failure, defectiveness, undeveloped self, insufficient self, social isolation, self-sacrifice, abandonment, and entitlement and these variables could total 43% of the variance marital satisfaction explained. Also mistrust variables, emotional inhibition and unrelenting standards don't have significant role of marital satisfaction. So early maladaptive schemas have greater impact on explaining the variance of marital satisfaction in comparison with attachment components.

**Keywords:** Early maladaptive schemas, Attachment, Marital satisfaction

**\*Corresponding Author:**  
MSc in Nursing Education,  
Faculty of Paramedicine, Alborz  
University of Medical Sciences,  
Karaj, Iran

Tel: 026- 32755085  
E-mail: Mohsenzadeh.y@gmail.com

## رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی با رضایت زناشویی در متقاضیان طلاق

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۹

### چکیده

**مقدمه:** رضایت زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است که می‌تواند به وسیله عوامل مهمی چون طرحواره‌های ناسازگارانه و دلبستگی تحت تأثیر قرار بگیرد. بدین ترتیب؛ پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی با رضایت زناشویی در متقاضیان طلاق صورت گرفت.

**مواد و روش‌ها:** طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد و جامعه آماری شامل کلیه متقاضیان طلاق مراجعه کننده به دادگاه خانواده شهید محلاتی شهر تهران بود. از بین این متقاضیان تعداد نمونه ۴۱۵ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌های طرحواره یانگ، مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RAAS) و مقیاس رضایت زناشویی اینریچ توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون گام به گام استفاده گردید.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین مؤلفه‌های دلبستگی (اضطراب و نزدیکی) و رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد و این دو متغیر مجموعاً ۱۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین نمودند. همچنین بین وابستگی و رضایت زناشویی رابطه معنی داری یافت نشد. علاوه بر این بین رضایت زناشویی و مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه شامل اطاعت، شکست، نقص، خودتحويل نیافته، خویشتن داری، انزوای اجتماعی، ایثار، رهاشدگی و استحقاق رابطه منفی و معناداری وجود دارد و به طور کلی این متغیرها توانستند ۴۳ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین نمایند. همچنین متغیرهای بی‌اعتمادی، بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه نقش معنی داری در پیش‌بینی رضایت زناشویی نداشتند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه نسبت به مؤلفه‌های دلبستگی نقش بیشتری در تبیین واریانس رضایت زناشویی داشته‌اند.

**کلمات کلیدی:** طرحواره‌های ناسازگار اولیه، دلبستگی، رضایت زناشویی

\* نویسنده مسئول:

کارشناس ارشد آموزش پرستاری،  
دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی  
البرز، کرج، ایران

۰۲۶-۳۲۷۵۵۰۸۵

E-mail: Mohsenzadeh.y@gmail.com

## مقدمه

که در سلامت روانی زوجین و فرزندان آنها دارد، اجتناب ناپذیر است.<sup>۵</sup>

عوامل بسیاری در رابطه زناشویی مؤثر هستند که عوامل شناختی از مهمترین آنها محسوب می شوند. نوعی از شناخت ها که در رابطه زناشویی نقش مهمی به عهده دارند، طرحواره ها هستند. طرحواره ها سازه هایی هستند که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می گیرند و به عنوان واسطه، پاسخ های رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می دهند. یانگ (۱۹۹۹) بر این باور است که طرحواره ها در سه موقعیت شکل می گیرند و تداوم می یابند. این سه موقعیت عبارتند از: نیازهای هیجانی اساسی، تجارب اولیه کودکی و خلق و خوی هیجانی. ریشه های تحولی طرحواره های ناسازگارانه اولیه در- تجارب ناگوار دوران کودکی نهفته است، طرحواره هایی که زودتر شکل می گیرند، معمولاً قویتر هستند. برخی از طرحواره ها به ویژه آنها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی به وجود می آیند، ممکن است هسته اصلی اختلالات و مشکلات بین فردی باشند. طرحواره ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می شوند و این سوگیری ها در آسیب شناسی روانی میان فردی خود را به صورت سوء تفاهم ها، نگرش های تحریف شده، گمانه های نادرست، هدف و چشم داشت های غیرواقعی بینانه نشان می دهند.<sup>۶</sup>

یانگ و گلوسکس (۱۹۹۷)، اشاره کردند که رضایت در روابط نزدیک فقط زمانی دیده می شود که نیازهای رشدی برآورده شده باشند و اگر این نیازها ارضا نشوند ممکن است طرحواره های ناسازگار خاصی ایجاد شوند که بر روابط صمیمانه اثر می گذارند. طرحواره های ناسازگار اولیه به عنوان یک اقدام محافظتی، رشد می کنند و به خدمت یک هدف کارکردی در می آیند. مشکل از آنجا آغاز می شود که این طرحواره ها تا دوران بزرگسالی ادامه پیدا کنند و تاثیر نامطلوبی بر زندگی و یا روابط برجای بگذارد. طرحواره ناسازگار اولیه ای که در کودکی و در خدمت یک هدف مفید و در نقش حفاظتی عمل کرده، ممکن است به یک مکانیسم دفاعی منسوخ شده، ناسازگار و و ناکارآمد و پیچیده در بزرگسالی تبدیل شود.<sup>۷</sup> معمولاً در روابط زناشویی ماهیت ناسازگار طرحواره ها وقتی ظاهر می شود که طرحواره های آنها تأیید شود، حتی اگر برداشت

ازدواج در جامعه متغیر امروزی یک پدیده پیچیده است. ازدواج یکی از مهمترین شکل های حمایت اجتماعی برای بزرگسالان در نظر گرفته شده است و براساس یافته های حاصل از مطالعات جمعیت شناختی، اغلب بزرگسالان می خواهند در برهه ای از دوران زندگی خود ازدواج کنند. انسان ها به دلایلی چون عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی ازدواج می کنند.<sup>۱</sup> در واقع، ازدواج موفق و شروع رابطه زناشویی قادر است بسیاری از نیازهای روانی و جسمی را در یک محیط امن برآورده سازد و تأثیر بسزایی بر سلامت و بهداشت روانی افراد، داشته باشد.<sup>۱</sup>

سازمان جهانی بهداشت نیز خانواده را به عنوان عامل اجتماعی اولیه در افزایش سلامت و بهزیستی معرفی کرده است. از این رو مطالعه رضایت زناشویی و ابعاد مختلف آن به جهت تأثیری که بر بهداشت روانی افراد دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

رابطه زناشویی به عنوان مهمترین و اساسی ترین رابطه انسان محسوب می شود، زیرا ساختار اولیه را برای بنا نهادن رابطه خانوادگی فراهم می سازد. رضایت زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است به عبارت دیگر، یکی از جنبه های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می کنند، توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی اند.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، اصطلاح رضایت زناشویی به مسرت کلی شخص و خشنودی او از روابط نزدیک زناشویی اشاره دارد. با وجود مزایای ازدواج، میزان طلاق از اواسط قرن بیستم افزایش یافته است.<sup>۳</sup> آمار طلاق، که معتبرترین شاخص آشفته گی زناشویی است، نشانگر آن است که رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست.<sup>۴</sup> از همان روزهای آغازین رابطه زناشویی، به دلیل حل نشدن عدم توافق های جدی و مکرر رضایت و ثبات زناشویی با تهدیدی جدی مواجه می شود.<sup>۴</sup> علاوه بر این، برخلاف برخی روابط زناشویی که به طلاق ختم می شوند، بسیاری از روابط زناشویی ناموفق نیز وجود دارند که همسران به دلایل گوناگون طلاق نمی گیرند و سلامت روان و کیفیت زندگی طرفین به خطر می افتد. لذا توجه به رضایت زناشویی به خاطر نقشی

به هیچ وجه به دوره کودکی محدود نمی شود.<sup>۱۴</sup> طبق نظر بالبی تحقیقات همواره نشان داده‌اند که از میان چهار سبک دلبستگی، تنها سبک دلبستگی ایمن به گونه ای مثبت به شادی، سلامت و روابط بادوام و صمیمانه کمک کرده است.<sup>۱۳</sup> دلیل انتخاب بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن این است که مطالعات نشان می دهد زن یا شوهرهایی که سبک دلبستگی ایمن دارند، اختلافات خود را به شیوه سازنده تری حل می کنند، عناصر اعتماد، وابستگی متقابل، تعهد و رضایت، در روابط آن ها بیشتر به چشم می خورد و روابط و زندگی زناشویی آنها از رضایت و دوام بیشتری برخوردار است.<sup>۱۵</sup> ویژگی های بهنجار و نابهنجار روابط بین شخصی به گونه ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تأثیر می پذیرند. بنابر نتایج پژوهش ها، دلبستگی ایمن با ویژگی های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایدارتری از صمیمیت و تعهد، دلبستگی دوسوگرا با شورو هیجان ودل مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم مرتبط است.<sup>۱۵</sup>

افراد دارای سبک دلبستگی نایمن به دلیل اینکه مبنای ارتباط آنها بر اساس بی اعتمادی شکل گرفته است از منابع حمایتی هراس دارند، روابط نامناسب اجتماعی داشته و در مقابل تنش ها دچار آسیب پذیری هیجانی بیشتری می شود و در ضمن آنها فاقد مهارت های اجتماعی هستند، از صمیمیت می ترسند و فاقد اعتماد لازم برای برقراری روابط صمیمانه هستند.<sup>۱۶</sup>

بلو و همکاران در پژوهشی با عنوان تأثیر سبک های دلبستگی و تعهد بر رضایت زناشویی با نمونه ۱۹۱ زوج نشان دادند که سبک های دلبستگی و تعهد بر رضایت زناشویی تأثیر مثبتی داشت.<sup>۱۷</sup> لمنز و همکاران در مطالعه ای به بررسی رضایت زناشویی، سبک های دلبستگی و مشکلات ارتباطی در زوج های افسرده و زوج های سالم پرداختند. نمونه در برگیرنده ۷۷ زوج مراجعه کننده به کلینیک های روان درمانی و ۷۷ زوج سالم (مشابه از نظر سن و جنسیت) بود. نتایج نشان داد زوج های افسرده نسبت به زوج های سالم دارای مشکلات دلبستگی، ارتباطی و رضایت زناشویی پایین تر بودند. از سوی دیگر زوج های سالم رضایت زناشویی بالاتر، سبک های دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی کمتری را گزارش کردند.<sup>۱۸</sup> همچنین نتایج هین، بایزو و اناست نشان دادند که یک رابطه منفی بین سبک ایمن و افسردگی و همبستگی مثبت بین سبک

اولیه آنها نادرست باشد.<sup>۸</sup> اگر افرادی که در یک رابطه معین مانند رابطه زناشویی دارای طرحواره منفی باشند، آنها تمایل به پردازش و تفسیر رفتار شریک زندگی به شیوه ای منفی دارند و در برابر هرگونه اطلاعاتی که در تضاد با طرحواره است مقاومت می کنند.<sup>۹</sup> یافته ها رابطه بین طرحواره های ناسازگار و روابط زناشویی را تأیید می کند. طرحواره های مربوط به رابطه زناشویی در بر گیرنده باورهای اساسی درباره ماهیت انسان و نحوه روابط می باشند.<sup>۱۰</sup>

نتایج پژوهش ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی جهت تعیین رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی در بین ۷۰ نفر (۳۵ زوج) از زوجین شهر اصفهان نشان دادند که بین طرحواره های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد، یعنی هرچه طرحواره ها ناسازگارتر می شوند، صمیمیت زناشویی کاهش می یابد.<sup>۱۱</sup>

یافته های پژوهشی که دومیترسکو و راسا که به منظور بررسی ارتباط بین طرحواره های ناسازگار اولیه و رضایت زوجین و ارزش همسر روی یک نمونه ۱۸۲ نفری زوجین رومانیایی صورت گرفت، نشان داد افزایش میزان طرحواره های ناسازگار اولیه، پیش بین کاهش میزان رضایت زوجین می باشد؛ در حالی که کاهش میزان طرحواره های ناسازگار اولیه، افزایش میزان رضایت زناشویی را پیش بینی می کند.<sup>۱۲</sup>

در بررسی چاتاوا و ویشمن بر روی ۹۰ دانشجوی و به منظور بررسی رابطه بین طرحواره ها و رضایت زناشویی پرداختند. نتایج نشان داد که طرحواره های مثبت آنها با رضایت زناشویی و طرحواره های منفی آنها با استرس در زندگی زناشویی ارتباط داشت.<sup>۹</sup>

یکی دیگر از عواملی که در کیفیت رضایت زناشویی مؤثر می باشد، الگوی سازمان دلبستگی افراد است. دلبستگی، پیوند عاطفی بین کودک در حال رشد و مادر است که از ابتدای تولد ایجاد می شود. اما تأثیر آن فقط محدود به دوران کودکی نیست؛ بلکه همه دوره های زندگی، حتی دوره سالمندی را در بر می گیرد.<sup>۱۳</sup> بالبی معتقد بود که دلبستگی بخش مهمی از تجربه انسانی از گهواره تا گور است؛ براساس مشاهدات وی روابط دلبستگی، نقشی بسیار قوی در زندگی هیجانی بزرگسالان ایفا می کند.<sup>۱۴</sup> رفتارهای دلبستگی و پیامد آنها در سراسر چرخه زندگی فعال بوده و

همکاران (۱۳۸۷)، روایی و پایایی پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه را بر روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ نفر و مرحله دوم ۱۸۵ نفر) بررسی نمودند و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن در کل نمونه به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۶، در دختران ۰/۸۷ و ۰/۸۴ و در پسران ۰/۸۴ و ۰/۸۱ گزارش نمودند. آنان میزان آلفای کرونباخ را برای همه عامل ها بالاتر از ۰/۸۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آوردند. بالاترین میزان آلفای کرونباخ مربوط به عامل کناره گیری اجتماعی / بیگانگی (۰/۹۱) و پایین ترین میزان مربوط به عامل خویشستن داری ناکافی / خودانضباطی (۰/۸۱) به دست آمد. روایی همگرای نمرات کل پرسشنامه با ابزارهای اندازه گیری درماندگی روان شناختی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی، اعتماد به نفس، آسیب پذیری شناختی برای افسردگی، علایم اختلال شخصیت و پرسش نامه چک لیست ۹۰ سئوالی بررسی نمودند و همبستگی برای ۶ ملاک یاد شده را به ترتیب ۰/۳۷، ۰/۳۴، ۰/۴۰، -۰/۳۹، ۰/۳۵، ۰/۳۶ و ۰/۳۸ گزارش نمودند.

#### پرسشنامه مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RAAS)

این مقیاس شامل ۱۸ ماده است که از طریق علامت گذاری بر روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت برای هر ماده که از درجه ۱ ((من اصلا این احساس را ندارم))، تا درجه ۵ ((من کاملا این احساس را دارم)) سنجیده می شود (کولینز و رید، ۱۹۹۰؛ نقل از حمیدی، ۲۰۰۳). تحلیل عوامل، ۳ زیرمقیاس ۶ درجه ای را به شرح ذیل مشخص می نماید:

۱. نزدیکی و صمیمیت: میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند.
  ۲. وابستگی و اتکا: میزانی که آزمودنی به دیگران اعتماد می کند و به آن ها متکی می شود را به صورت اینکه در مواقع لزوم قابل دسترسی اند، اندازه گیری می کند.
  ۳. رابطه اضطرابی: ترس از دست دادن و دوری موضوع دلبستگی را اندازه گیری می کند. البته این بعد، رابطه اضطراب آمیز در روابط بین فردی را نیز مورد بررسی قرار می دهد.
- کولینز و رید بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور در مورد سبک اصلی دلبستگی وجود

دلبستگی ایمن و سازگاری زناشویی وجود دارد. از طرف دیگر همبستگی منفی معناداری بین سازگاری زناشویی و رابطه مثبت با افسردگی وجود دارد.<sup>۱۹</sup>

در پژوهشی که به منظور بررسی رابطه ی بین طرحواره های ناسازگار اولیه و دلبستگی بزرگسالی انجام گرفت، نتایج نشان دادند که طرحواره ها به صورت معنی داری مطابق با گروه بندی سبک دلبستگی متفاوتند. گروه دارای سبک دلبستگی بیمناک، درجه ی بیشتری از طرحواره های ناسازگار را داشتند که به وسیله گروه دل مشغول دنبال می شد.<sup>۲۰</sup>

در همین راستا، این پژوهش با هدف تعیین رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و دلبستگی با رضایت زناشویی در متقاضیان طلاق طراحی و اجرا گردید.

#### مواد و روش ها

##### نوع مطالعه

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات همبستگی می باشد.

##### روش جمع آوری اطلاعات

**پرسشنامه طرحواره یانگ:** شکل کوتاه پرسشنامه طرحواره ها برای اندازه گیری ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه و بر اساس فرم اصلی تهیه شده است (یانگ، ۱۹۹۸). هر طرحواره توسط پنج سؤال سنجیده می شود. سوالات همسو بوده و همه به همین صورت نمره گذاری می شوند. در این پرسشنامه، نمره بالا نشان دهنده طرحواره های ناسازگار اولیه است (یانگ، ۱۹۹۸). پایایی این پرسشنامه را به روش همسانی درونی و بازآزمایی بر روی یک نمونه ۵۶۴ نفری از دانشجویان آمریکایی به ترتیب (۰/۹۵ و ۰/۸۱) گزارش نمودند. روایی همگرای پرسشنامه با ابزارهای اندازه گیری درماندگی روانشناختی، اعتماد به نفس، آسیب پذیری شناختی برای افسردگی و علایم اختلال شخصیت بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که طرحواره های ناسازگار اولیه، ارتباط منفی با ویژگی های مثبت مانند اعتماد به نفس و عاطفه مثبت، و ارتباط مثبت با صفاتی همچون اختلال شخصیت، درماندگی، هیجان منفی و اختلال عملکرد و نگرش دارند. همچنین در ایران یوسفی و

۱۱۵ سوال و ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است. پاسخ به سوالات به صورت ۵ گزینه ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است. این پرسشنامه توسط اولسون در سال ۱۹۸۳ برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی نقاط قوت و رضایت زناشویی تدوین شده است. دوازده خرده مقیاس این پرسشنامه عبارتند از: تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان، نقش‌های مساوات طلبی، خانواده و دوستان و جهت‌گیری مذهبی. اولسون (۱۹۸۳) پایایی پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کردند. این پرسشنامه از روایی سازه و ملاک خوبی برخوردار است. همچنین کلیه خرده مقیاس‌های این پرسشنامه زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند که نشان‌دهنده روایی ملاکی آن است. روایی محتوای پرسشنامه یاد شده نیز توسط پنج نفر از استادان روانشناسی و متخصصان مشاوره خانواده تأیید شده است (دانش و حیدریان، ۱۳۸۶).

### روش کار

پس از کسب مجوزهای لازم محقق به دادگاه خانواده شهید محلاتی شهر تهران مراجعه نموده و کلیه متقاضیان طلاق واجد شرایط، در بازه زمانی ۵ ماهه سال ۱۳۹۲ را بصورت در دسترس وارد مطالعه نمودیم. ابتدا اهداف مطالعه برای ایشان بیان شد و در صورتیکه تمایل به شرکت در مطالعه داشتند از آنها رضایت نامه کتبی گرفته شد.

معیار ورود عبارت بود از: ایرانی بودن و حداقل سواد خواندن و نوشتن. پرسشنامه‌ها با هماهنگی دادگاه خانواده توسط ۴۵۰ نفر از مراجعه کنندگان، تکمیل گردید. پس از تکمیل و بررسی پرسشنامه، اطلاعات با نرم افزار spss ۱۶ تحلیل گردید.

### یافته‌ها

در مطالعه حاضر ۲۹۵ نفر زن (۷۱/۱٪) و ۱۲۰ نفر مرد (۲۸/۹٪) شرکت نمودند. بیشترین فراوانی شغلی آزمودنی‌ها در شغل آزاد می‌باشد و بیشترین فراوانی تحصیلات آزمودنی‌ها مربوط به افراد دیپلمه و کمترین فراوانی مربوط به تحصیلات

داشت مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده اند. زیرمقیاس اضطراب در این پرسشنامه با وضعیت اضطرابی دوسوگرا در پرسشنامه هازان و شیور ارتباط دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن، یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (حمیدی، ۲۰۰۳). بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمنی بخش (S) می‌باشد و زیرمقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی (AV) قرار داد.

مطالعات نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. کولینز برای بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس آن، در دو نمونه ۱۷۳ و ۱۰۰ نفری از دانشجویان به ترتیب برای زیرمقیاس نزدیک بودن، ۰/۸۱، ۰/۸۲، زیرمقیاس وابستگی، ۰/۷۸، ۰/۸۰، و زیرمقیاس اضطراب، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ گزارش کرده است (پاکدامن، ۱۳۸۰). از سوی دیگر در ایران، پاکدامن (۱۳۸۰) با استفاده از آزمون-آزمون مجدد بصورت همبستگی بین این دو اجرا را مشخص کرد. نتایج حاصل از ۱۰۰ نفر دختر و پسر در دو بار اجرا به فاصله زمانی یک ماه بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های (RAAS) در اضطراب و وابستگی و نزدیک بودن معنادار نبوده است و این آزمون در سطح معناداری ۰/۰۵ قابل اعتماد است. همچنین همبستگی بین نتایج دو اجرا نشان داد: اضطراب قابل اعتمادترین بوده ( $r = 0/57$ )، نزدیکی ( $r = 0/75$ ) و وابستگی ( $r = 0/478$ ) در مراتب پایین تری هستند. از سوی دیگر با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیرمقیاس اضطراب بیشترین قابلیت اعتماد ۰/۷۴۹ و وابستگی، کمترین قابلیت اعتماد ۰/۲۸۵ و زیرمقیاس نزدیک بودن ۰/۵۲۱ است.

پاکدامن (۱۳۸۰) روایی سازه برای این پرسشنامه را بررسی کرده است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا (تشخیصی) سنجیده شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های اضطراب و نزدیک بودن، اضطراب و وابستگی در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به ترتیب ۰/۳۱۳- و ۰/۳۳۶- می‌باشد و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های نزدیک بودن و وابستگی در سطح معناداری ۰/۰۱۴ مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد.

مقیاس رضایت زناشویی اینریچ: فرم اصلی این پرسشنامه از

لیسانس و بالاتر می باشد (جدول ۱). براساس نتایج بیشترین میانگین نمرات شرکت کنندگان مربوط به طرحواره ایثار (۱۸/۸۳) و کمترین میانگین مربوط به طرحواره نقص (۱۲/۶۰) می باشد و از

جدول ۱: توزیع فراوانی مشخصات فردی- اجتماعی شرکت کنندگان در مطالعه

اطلاعات دموگرافیک	شاخص	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مونث	۲۹۵	۷۱/۱
	مذکر	۱۲۰	۲۸/۹
تحصیلات	بیسواد	۴	۱
	زیردیپلم	۷۱	۱۷/۱
	دیپلم	۲۷۳	۶۵/۸
	لیسانس و بالاتر	۶۵	۱۵/۷
شغل	گزارش نشده ها	۶	۱/۴
	آزاد	۳۱۴	۷۵/۷
	کارمند	۸۹	۲۱/۴
	بیکار	۱۲	۲/۹

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمره های آزمودنی ها در متغیرهای طرحواره های ناسازگارانه اولیه و سبک دلبستگی

متغیر	شاخص آماری	میانگین	انحراف استاندارد
مقیاس			
طرحواره های ناسازگار اولیه	محرومیت هیجانی	۱۶/۷۹	۴/۳۸
	رهاشدگی	۱۶/۹۱	۳/۷۰
	بی اعتمادی	۱۶/۴۴	۳/۷۸
	انزوا	۱۴/۲۵	۴/۲۵
	نقص	۱۲/۶۰	۳/۰۲
	شکست	۱۴/۴۶	۳/۳۲
	بی کفایتی	۱۳/۶۳	۳/۸۶
	آسیب به ضرر	۱۶/۷۰	۳/۶۷
	خودتحول نیافته	۱۵/۰۵	۳/۹۵
	اطاعت	۱۵/۸۴	۳/۴۸
	ایثار	۱۸/۸۳	۴/۰۹
	بازداری هیجانی	۱۶/۵۲	۴/۱۲
	معیارهای سرسختانه	۱۷/۵۸	۳/۷۳
	استحقاق	۱۶/۰۷	۳/۴۴
سبک دلبستگی	خوبشستن داری	۱۶/۳۱	۳/۰۴
	نزدیکی	۱۹/۹۸	۴/۵۰
	وابستگی	۱۹/۰۶	۴/۳۴
رضایت زناشویی	اضطراب	۱۳/۱۲	۵/۹۷
	رضایت زناشویی	۲۲/۱۱۹	۴۸/۲۱

جدول ۳: ارتباط متغیر رضایت زناشویی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مؤلفه‌های دلبستگی در بین شرکت کنندگان در مطالعه

گام	متغیرهای پیشین	R	R <sup>۲</sup>	T	سطح معنی داری
ثابت		۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	۱۹/۴۲	۰/۰۰۱
۱	اطاعت	۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	-۵/۴۰	۰/۰۰۱
۲	شکست	۰/۵۱۴	۰/۲۶۴	-۱۰/۴۵	۰/۰۰۱
۳	اضطراب	۰/۵۶۵	۰/۳۲۰	-۸/۷۶	۰/۰۰۱
۴	نزدیکی	۰/۶۱۷	۰/۳۸۱	-۸/۴۲	۰/۰۰۱
۵	نقص	۰/۶۶۵	۰/۴۴۳	-۴/۵۶	۰/۰۰۱
۶	خود تحول نیافته	۰/۶۹۰	۰/۴۷۵	-۶/۵۴	۰/۰۰۱
۷	خویشتن داری	۰/۷۱۰	۰/۵۰۴	-۳/۹۶	۰/۰۰۱
۸	انزوای اجتماعی	۰/۷۲۴	۰/۵۲۴	-۳/۷۲	۰/۰۰۱
۹	ایثار	۰/۷۳۲	۰/۵۳۶	-۳/۳۶	۰/۰۰۱
۱۰	رهاشدگی	۰/۷۳۷	۰/۵۴۴	-۲/۹۳	۰/۰۰۱
	استحقاق	۰/۷۴۲	۰/۵۵۱	-۲/۴۸	۰/۰۰۴

پیش از استفاده از تحلیل رگرسیون در ابتدا وجود داده‌های پرت با استفاده از نمودار باکس پلات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد ۱۱ داده پرت وجود دارد که از مجموعه داده‌ها حذف شدند. جهت بررسی نرمالیتت داده‌ها از نمودار اسکتر و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید. به منظور بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون استفاده شد. نتایج نشان داد مفروضه استقلال برقرار است ( $DW=1/49$ ). مفروضه هم خطی چندگانه از طریق آماره تلرانس و همچنین تورم واریانس (VIF) بررسی شد. نتایج نشان داد که کمینه تلرانس برابر با  $0/83$  و بیشینه مقدار تورم واریانس برابر  $1/48$  بود که نشان می‌دهد هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

نتایج مدل رگرسیون گام به گام بیانگر این مطلب بود که در گام اول متغیر اطاعت وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر  $0/169$  از واریانس رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند. در گام دوم تا یازدهم سایر متغیرها شامل اطاعت، شکست، اضطراب، نزدیکی، نقص، خود تحول نیافته، خویشتن داری، انزوای اجتماعی، ایثار، رهاشدگی، استحقاق به ترتیب اهمیت وارد معادله شده و در مجموع توانستند  $55$  درصد از واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. یعنی میزان رضایت زناشویی با طرحواره‌های

ناسازگار رابطه معنادار دارند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مؤلفه‌های دلبستگی شامل اضطراب و نزدیکی در گام سوم و چهارم وارد معادله شده و مجموعاً  $12$  درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین نموده‌اند. سایر متغیرها مربوط به طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌باشند که مجموعاً  $43$  درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین نموده‌اند. بنابراین طرحواره‌های ناسازگار اولیه نسبت به مؤلفه‌های دلبستگی سهم بیشتری در تبیین واریانس رضایت زناشویی داشته‌اند. یعنی طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر بیشتری بر رضایت زناشویی دارند. در ضمن بین متغیرهای طرحواره‌های اطاعت، شکست، نقص، خود تحول نیافته، خویشتن داری، انزوای اجتماعی ( $p < 0/000$ )، ایثار ( $p < 0/001$ )، رهاشدگی ( $p < 0/004$ ) و استحقاق ( $p < 0/014$ ) با رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی، هرچه نمره رضایت زناشویی کاهش یابد، از طرحواره‌های ناسازگار اولیه بالاتری برخوردار هستند. در ضمن از میان طرحواره‌ها، طرحواره شکست تأثیر بیشتری بر متغیر رضایت زناشویی دارد. زیرا دارای بتا و تی بزرگتر و سطح معناداری کمتر است. همچنین بین مؤلفه‌های دلبستگی شامل اضطراب و نزدیکی ( $p < 0/000$ )، با رضایت زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.



## بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش تعیین رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی با رضایت زناشویی در متقاضیان طلاق بود. یافته‌ها نشان داد از بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، طرحواره‌های اطاعت، شکست، نقص، خودتحويل نیافته، خویشن‌داری، انزوای اجتماعی، ایثار، رهاشدگی و استحقاق بیش از سایر طرحواره‌ها با رضایت زناشویی همبستگی معنادار دارند؛ به این صورت که با افزایش طرحواره‌های ناسازگار ذکر شده، میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و بالعکس. نتیجه فوق با پژوهش‌های پیشین از جمله دومیترسکو و راسا، کلیفتون، حسنوندی، ذوالفقاری، چاتاوا و ویشمن همسو می‌باشد.<sup>۲۱،۲۲</sup>

در تبیین این یافته می‌توان گفت به باور یانگ و همکاران طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودشکننده‌ای که در جریان رشد و تحول آغاز می‌گردند و در سرتاسر زندگی تکرار می‌شوند. از سوی دیگر، آسیب‌شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرحواره‌های ناکارآمد وی باشد، بنابراین، طرحواره‌های ناسازگار می‌توانند به عنوان هسته‌ی اصلی اختلالات شخصیت و بسیاری از بیماری‌های محور I در میان همسران ایفای نقش کنند.<sup>۲۳</sup>

افراد مبتلا به طرحواره رها شدگی، فکر می‌کنند کسی که از لحاظ عاطفی به او دلبسته شده‌اند را از دست می‌دهند و معتقدند روابط نزدیک آن‌ها به طور تهدیدکننده‌ای به پایان خواهد رسید.<sup>۸</sup> طرحواره رها شدگی به احتمال زیاد با طرحواره‌های دیگری مانند طرحواره اطاعت ارتباط پیدا می‌کنند. در چنین وضعیتی، فرد معتقد است اگر کارهایی را که دیگران از او می‌خواهند انجام ندهد، بدون شک او را تنها می‌گذارند. علاوه بر این، طرحواره رهاشدگی می‌تواند با طرحواره نقص ارتباط پیدا کند. در چنین حالتی، فرد دارای طرحواره مذکور معتقد است دیگران به نقص‌ها و کمبودهای او پی می‌برند و او را ترک می‌کنند.<sup>۸</sup> بر اساس این نتایج ما می‌توانیم استنباط کنیم که چرا رضایت زناشویی افراد مبتلا به طرحواره‌های ناسازگار، به وضوح کاهش پیدا می‌کند، آن‌ها ممکن است احساس کنند که همسرشان نمی‌تواند محافظت و حمایت عاطفی لازم را برای آن‌ها فراهم نماید. همچنین ممکن است به این باور رسیده باشند که رهایشان کرده‌اند (رهاشدگی / بی‌ثباتی). آن‌ها ممکن است

این احساس را داشته باشند که از جانب شریک زندگی‌شان، عشقی را که سزاوارش هستند دریافت نمی‌کنند و ممکن است احساس بی‌ارزشی کنند (محرومیت هیجانی، نقص). آن‌ها ممکن است احساس انزوا و متفاوت بودن نسبت به همسرشان داشته باشند (انزوای اجتماعی / بیگانگی). آن‌ها ممکن است به منظور کمک به دیگران نیازهای خود را قربانی کنند (ایثار). آن‌ها ممکن است دچار ناتوانی از تحمل هرگونه ناکامی در راه رسیدن به اهداف و همچنین در مهار و بیان انگیزه‌ها یا احساساتشان باشند (خویشن‌داری). آن‌ها ممکن است احساس کنند نسبت به دیگران یک سر و گردن بالاتر هستند و تعهدی نسبت به رعایت اصول روابط متقابل که راهنمای تعاملات اجتماعی بهنجار هستند، نداشته باشند (استحقاق). آن‌ها ممکن است احساس کنند نادان، نالایق و یا بی‌استعداد هستند و در نتیجه تلاشی برای بهبود روابط خود نمی‌کنند، چون باور دارند که با شکست مواجه خواهند شد (شکست). آن‌ها ممکن است احساس کنند وجودشان در دیگران ادغام شده و هویت جداگانه‌ای ندارند. این طرحواره اغلب به صورت احساس پوچی و سردرگمی، جهت نداشتن و بی‌هدفی و یا در موارد شدید به صورت شک و تردید در موجودیت و ساختار وجودی فرد بروز می‌کند (خودتحويل نیافته / گرفتار). درحقیقت این طرحواره‌ها، روابط بین فردی به خصوص روابط زن و شوهر را مختل می‌کند و موجب ناخشنودی و عدم کیفیت رضایت زناشویی می‌شود. زیرا طرحواره‌های ناسازگار مداوم در مسیر زندگی موجب سوگیری‌هایی در تفسیر رویدادها و تجارب افراد می‌شوند. این سوگیری‌ها به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و نیازهای غیرواقع‌بینانه بر چگونگی رابطه بین زوجین پدید می‌آیند و این سوء برداشت، بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های موقعیت‌ها و تجارب مختلف روابط بین همسران تأثیر می‌گذارد. از آن جا که طرحواره‌های ناسازگار، ناکارآمد هستند، ناخشنودی در روابطه زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند.<sup>۲۳</sup> همچنین متغیرهای بی‌اعتمادی، بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رضایت زناشویی نداشتند و این نتایج با یافته‌های یوسفی و همکاران با پژوهش حسنوندی و همکاران در بعد معیارهای سرسختانه؛ و پژوهش کلیفتون از بعد بی‌اعتمادی، همسو نمی‌باشد.<sup>۲۱-۲۳</sup> در تبیین این یافته می‌توان به

می خواهند که بیشتر شریک احساساتشان شوند. بزرگسالان دوسوگرای مضطرب اغلب نگران هستند که آن گونه که آن‌ها دوست دارند، دیگران تمایلی به نزدیک شدن به ایشان نداشته باشند. بزرگسالان دوسوگرای مضطرب معمولاً تمایل دارند به طور کامل با شخص دیگری درهم بیامیزند (یکی شوند) و بعضی اوقات این میل قوی در آن‌ها موجب ترس می‌شود. بزرگسالان با سبک اضطرابی، با احساس دوست داشتنی نبودن و این باور که دیگران قابل اعتمادند و به هنگام نیاز در دسترس هستند، توصیف می‌شوند. طبق یافته‌های این پژوهش، مؤلفه اضطراب قوی‌ترین مولفه پیش‌بینی رضایت زناشویی است که این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین ناک همسو می‌باشد.<sup>۲۵</sup>

از سوی دیگر و با توجه به یافته‌های بدست آمده، مؤلفه‌های طرحواره به تنهایی ۴۳ درصد از واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند در حالی که مؤلفه‌های دلبستگی تنها ۱۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش فوق، طرحواره‌ها نسبت به مؤلفه‌های دلبستگی، نقش بیشتری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند. با جستجوی انجام شده؛ پژوهش خاصی که مؤلفه‌های ذکر شده را با هم مقایسه کرده باشد یافت نشد، لذا امکان ارائه یافته‌های همسو وجود نداشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت احتمالاً طرحواره‌ها میزان و کیفیت دلبستگی را نیز تحت تأثیر قرار داده و لذا سهم بیشتری در تبیین رضایت زناشویی دارند. همان‌طور که سیسرو و همکاران در پژوهش خود نشان دادند طرحواره بازداری هیجانی، رها شدگی و محرومیت هیجانی در بزرگسالی دلبستگی ایمن را به مخاطره می‌اندازد. از آنجا که طرحواره‌ها و دلبستگی هر دو ریشه در کودکی افراد دارند، تأثیراتی که می‌توانند بر یکدیگر داشته باشند دور از انتظار نخواهد بود.<sup>۲۶</sup>

از آنجایی که جامعه آماری پژوهش حاضر به متقاضیان طلاق محدود می‌شود، این موضوع می‌تواند محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم نتایج و تفسیر متغیرهای مورد بررسی در خصوص رضایت زناشویی مطرح کند و همچنین طرح مطالعه حاضر از نوع همبستگی بوده که این مطلب محدودیت‌هایی را در زمینه اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر نمونه‌ای از طرح‌های

تفاوت جامعه مورد مطالعه اشاره نمود. از آنجا که پژوهش حاضر بر روی متقاضیان طلاق صورت گرفته است، احتمال دارد همسو نبودن یافته‌های آن با سایر پژوهش‌ها به دلیل تفاوت در نوع جامعه باشد. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش متغیر اطاعت، قوی‌ترین پیش‌بین رضایت زناشویی می‌باشد که از این نظر با یافته پژوهش حسونندی همسو می‌باشد.<sup>۲۲</sup>

در رابطه با سهم هر کدام از مؤلفه‌های دلبستگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی، یافته‌ها نشان دادند که بین مؤلفه‌های دلبستگی شامل اضطراب و نزدیکی با رضایت زناشویی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد؛ به این صورت که با افزایش اضطراب و نزدیکی میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و بالعکس.

اجسی و جنکاز در پژوهش خود با عنوان اثرات سبک‌های دلبستگی، مهارت‌های حل مسأله و مهارت‌های ارتباطی در رضایت از رابطه، نشان دادند افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند رضایت از رابطه و همچنین پیوستگی بیشتری نسبت به افراد با سبک نایمن دارند.<sup>۲۴</sup>

در تبیین این یافته می‌توان گفت مطابق با دیدگاه بالبی، سیستم دلبستگی در تمام طول عمر فعال باقی می‌ماند و گسترش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی، نوع سبک دلبستگی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است در سنین بعدی ادامه می‌یابد. دلبستگی که به عنوان پیوند عاطفی کودک - مادر، است، تعیین‌کننده بهداشت و سلامت روانی فرد است. به طور کلی دلبستگی گذشته و حال با یکدیگر مرتبط هستند و مراحل رشد دوران کودکی به خصوص روابط اولیه فرد با والدین بر روابط زناشویی تأثیر دارد. تا به امروز مطالعات متعدد، ارتباط بین سبک دلبستگی و کیفیت رابطه زناشویی را تأیید کرده‌اند.<sup>۲۵</sup> بزرگسالانی که دلبسته ایمن هستند، راحت به دیگران نزدیک می‌شوند، بدون احساس ترس از اینکه دیگران بخواهند آن‌ها را ترک کنند یا اینکه کسی به آن‌ها نزدیک شود. بزرگسالانی که دلبسته اجتنابی هستند خیلی سخت به طور کامل به دیگران اعتماد می‌کنند و برایشان ناخوشایند است که به دیگران تکیه کنند و دیگران را به خود وابسته سازند. بزرگسالان دلبسته نایمن هنگامی که یک نفر سعی کند بیش از حد به آن‌ها نزدیک شود عصبی می‌شوند و اغلب، شرکای عشقی‌شان از آن‌ها

## سپاسگزاری

از تمام کسانی که در اجرای این تحقیق ما را یاری نمودند سپاسگزاریم.

همبستگی است، لذا پیشنهاد می‌شود اثرمداخلات طرحواره درمانی بر رضایت زناشویی بررسی شود.

## References

- Nooranipour, Rahmatollah. Gospel Mohammad Ali and Yousefi, Eskandar The Relationship between Knowledge and Sexual Attitude with Marital Satisfaction in Couples Residing in the Young Scientists' Research Complex in Shahid Beheshti University: The Quarterly Journal of Iranian Consultative Society, Volume 6, Number Twenty Four, Winter 2007. Pp. 40-27.
- Hollist, Cody S. Miller, Richard B. Perceptions of Attachment Style and Marital Quality in Midlife Marriage. *Family Relations* 2005; 54, 46-57.
- Taniguchi ST., Freeman PA., Taylor, S., Malcarne, BA. study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *J Experi Edu.* 2006; 28(3): 253-256.
- Rosen-Grandon, JR., Myers, JE., Hattie, JA. The relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction. *J Couns & Dev.* 2004; 82(1): 58-68.
- Byrne M, Carr A, Clark M. The efficacy of behavioral couples therapy and emotionally focused therapy for couple distress. *Contem Fam Therapy* 2004; 26(4): 361-384.
- Yoosefi, N. Comparind the efficacy of two family therapy approach according to schema therapy and BOWENS emotional system in early maladaptive schemas, self differentiation, attachment styles and tendency to divorce in couple who wanted to be divorce in the city of Saghez. Phd thesis in family counseling . Esfahan university. 2010 [In Persian]
- Young, J., & Brown, G. Chestionarul schemelor cognitive Young. Formele YSQS3 si YSQ-L2 (adapted by Macavei, B. & Popa, S.). In David, D. (Ed.), Sistem de evaluare clinică. Cluj-Napoca: RTS 2007.
- Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. A Division of Guilford Publications, Inc 2003.
- Chatva, Y., Wishman, M. A. Partner schemas and relationship functioning: A states of mind analysis. *Behavior therapy*, 2009; 40, 50-56. Castonguay LG, Hill CE. *Insight in Psychotherapy*, American Psychological Association. Washington: 2007. DC. p. 57-81
- Zolfaghari, Maryam, Fatehizadeh, Maryam. Determining the Relationship between Primary Inconsistent Schemas and Marital Intimacy Dimensions of Couples in Isfahan. *Quarterly Journal of Family Research*, 2008; 4 (15).
- Dumitrescu Daciana & Rusu Alina S. Relationship between early maladaptive schemas, couple satisfaction and individual mate value: an evolutionary psychological approach, *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*. 2012, 12, 1, 63-76
- Shaker, Ali. The Relationship between Attachment Styles and Mental Health with Marital Adjustment in Couples; *Journal of Behavioral Sciences* 2011; 5 (2).
- Behzadipour, Sara; Pakdaman, Shahla and Besharat, Mohammad Ali Relationship between attachment styles and weight concerns in adolescent girls. *Journal of Behavioral Sciences* 2010; 4(1): 76-86.
- Hill, E.M., Young, J.P., & Nord, J.L. Childhood adversity, attachment security, and adult relationships: A preliminary study. *Etiology and sociobiology* 2001, 15, 323-338.
- Sayadpour, Venus. Relationship between self-respect and attachment style. *Iranian Journal of Psychology* 2007; 3(12): 321-311
- Bello, R., Brandau Brown, F., & Ragsdale, J.D. Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarried. *Journal Of Communication Quarterly* 2008; 56(1): 1-16.
- Lemmens, Gilbert M. D.; Buysse, Ann; Heene, Els, Ivan, Demyttenaere, Koen. Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. *Acta Neuropsychiatrica* 2007; 19, 2, 109-117(9).
- Heene, E.L., Buysse, A., & Von Oset, P. IN direct path ways between depressive symptoms and marital distress: the role of conflict communication, attributions, and attachment style. *Family process* 2005; 44(4).
- Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. A Division of Guilford Publications, Inc, 2003.
- Clifton, J. A. The effect of parenting style, attachment and early maladaptive schema on adult romantic relationship. *Journal of Dissertation, Abstracts International* 1995; 56(10-B): 57-91.

21. Hassani, Saba. Relationship between early maladaptive schemas and aggression with marital satisfaction. *Contemporary Psychology* 1389;5: 274-272.
22. Yousefi, Nasser Comparing early maladaptive schemas in divorced and normal spouses as predictors of divorce, *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2010:16.
23. Egeci, Sine. Gencoz, Tulin. The Effects of Attachment Styles, Problem-Solving Skills, and Communication Skills on Relationship Satisfaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2011; 30:2324-9.
24. Knoke, J. Burau, J, and Roehrl B. Attachment Styles, Loneliness, Quality, and Stability of Marital Relationships, *Journal of Divorce& Remarriage* 2010; 51:310–325.
25. Cecero, J. J., Nelson, J. D., & Gillie, J. M. Tools and tenets of schema therapy: toward the construct validity of the early maladaptive schema questionnaire-research version (EMSQ-R). *Clinical Psychology & Psychotherapy* 2004; 11:344–57.